

آیا کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش استفاده می‌کنند؟؛ یک مطالعه کیفی*

راضیه سعادت‌نسب^۱
دکتر اورانوس تاج‌الدینی^۲
دکتر عادل سلیمانی‌نژاد^۳

چکیده

هدف: بررسی چگونگی به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش توسط کاربران و مراجعه‌کنندگان کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است.

روش‌شناسی: در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. جامعه پژوهش حاضر همه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است و نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری متوالی نظری انتخاب شده‌اند. داده‌های موردنیاز این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش گردآوری شده است. برای تعیین روایی و پایایی پژوهش حاضر از روش ارزیابی لینکولن و گوبا که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش رمزگذاری نظری طی سه مرحله رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و رمزگذاری انتخابی انجام شده و سپس با استفاده از شیوه‌های منظم گردآوری داده‌ها به تشخیص مقوله‌های واقعی و مضمون‌های علمی پرداخته شده که طی آن ۶۴ گزاره مفهومی استخراج و در نهایت براساس آن‌ها به تجزیه و تحلیل مضامین واقعی پرداخته شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان داد که در حال حاضر کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شبکه‌های اجتماعی را جهت اشتراک دانش، تجارب، ایده‌ها، انجام فعالیت‌های گروهی، سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت مورد استفاده قرار می‌دهند اما به‌طور کلی دیدگاهی منفی از سوی این افراد نسبت به کاربرد شبکه‌های اجتماعی وجود دارد؛ البته در عین حال ارتباطات براساس توطیع و اشتراک دانش در این حیطه به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: اشتراک دانش، شبکه‌های اجتماعی، کاربران کتابخانه‌های عمومی.

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۵/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۷/۰۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. raziyesaadatnasab@gmail.com
^۲ عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. Tajedini.o@gmail.com
^۳ عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. adels2004@yahoo.com

مقدمه

امروزه دانش به عنوان منبعی ارزشمند و راهبردی و نیز یک دارایی مطرح است و ارائه محصولات و خدمات با کیفیت مناسب و اقتصادی، بدون مدیریت و استفاده صحیح از این منبع ارزشمند امری سخت و بعضاً ناممکن است. در این نگرش، دانش به عنوان منبعی ارزشمند در کنار منابعی مانند کار، زمین و سرمایه (که پیش تر در اقتصاد مورد توجه بود) به عنوان دارایی پرمایه مطرح شده است. فرایند خلق دانش، فرایندی اجتماعی است که از طریق آن افراد دانش خود را می سازند و به اشتراک می گذارند (جباری، ۱۳۹۲)، از جنبه های بسیار برجسته و متمایز به اشتراک گذاری دانش، این است که افراد، هرچه دانش خود را توزیع نمایند موجب ارزش افزوده بیشتری خواهد شد، زیرا که افراد به شیوه های جدید و متکی بر الگوی خود- سازمان دهی به تولید و خلق دانش می پردازند (تانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۲). اشتراک هدفمند دانش به یادگیری سریع تر فردی و سازمانی منجر گشته، خلاقیت را توسعه می دهد و در نهایت به بهبود عملکرد فرد و سازمان می انجامد. برای اینکه دانش ارزشمندتر شود باید با دیگران تقسیم شود، انتقال و اشتراک می توانند

^۱ Tung et al

فعال یا منفعل باشد. دانش را می‌توان با استفاده از ابزارهای مدیریت دانش در کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاع‌رسانی یا از طریق تعامل شخصی انتقال داد (رهنورد و خاوندکار، ۱۳۸۷). در این شرایط که سازمان‌ها به‌ویژه کتابخانه‌ها به سمت یادگیری مستمر و خلاقانه حرکت می‌کنند، اشتراک دانش، یکی از هسته‌های اصلی مدیریت دانش اثربخش محسوب شده (جعفرزاده کرمانی، ۱۳۹۱) و کتابخانه‌ها به‌عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکان مناسبی برای اشتراک‌گذاری دانش و ترویج فرهنگ اشتراک دانش شمرده می‌شوند.

برای به اشتراک گذاشته شدن دانش در سازمان‌ها عوامل متعددی از جمله فناوری اطلاعات^۱، فناوری ارتباطات^۲، عوامل سازمانی، عوامل انسانی و... مؤثر هستند (دخت‌عصمتی و قربانی^۳، ۲۰۱۳). این عوامل در کتابخانه‌های عمومی نیز به‌عنوان یک سازمان باعث اشتراک دانش بین کتابداران و نیز کاربران این کتابخانه‌ها می‌شود. کتابخانه‌ها محل کسب و کار دانش هستند زیرا تمامی اعضاء آن در فعالیت‌های روزمره خود به‌طور مداوم در فرایند خلق، نشر و یادگیری دانش درگیر می‌شوند. اشتراک دانش در کتابخانه‌ها ممکن است بین کتابداران و کاربران یا کتابداران با یکدیگر و نیز کاربران با یکدیگر صورت بگیرد.

در کتابخانه‌های عمومی ارتباط به شیوه‌های مختلفی برقرار می‌شود تا دانش، تجربه‌ها و مهارت‌ها به اشتراک گذاشته شود که این عملیات منجر به خلق دانش جدیدی در محیط کتابخانه‌های عمومی می‌شود و همه عوامل از جمله کاربران و کتابداران می‌توانند از آن استفاده کنند. کاربران و کتابداران در کتابخانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید و اشاعه دانش بایستی با یکدیگر ارتباط مناسبی داشته باشند و از طریق این ارتباط به انتقال مؤثر آنچه که مفید است با یکدیگر اقدام کنند. شبکه‌های اجتماعی^۴ می‌تواند به‌عنوان یک شیوه بسیار مؤثر در جهت به ثمر رساندن این هدف مدنظر قرار گیرد. کاربران و کتابداران

^۱ Information Technology

^۲ Communication Technology

^۳ Dokhtesmati & Ghorbani

^۴ Social Networks

کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با برنامه‌ریزی در محیط کتابخانه‌ها و شناسایی نیازهای یکدیگر، دانش خود را در اختیار یکدیگر قرار داده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی در توزیع و اشاعه دانش، در راستای توسعه منابع دانشی، دانش خود را به کار گیرند. اگر پیدایش اینترنت در آغاز هزاره دوم را مهم‌ترین اتفاق تاریخ بشریت بنامیم، می‌توان ظهور شبکه‌های اجتماعی را یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات این پدیده در آغاز هزاره سوم دانست (پادیاب، ۱۳۹۱).

رسانه‌های اجتماعی و فناوری مرتبط با آن از جمله شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های مناسبی را برای کاربران کتابخانه‌های عمومی به وجود آورده است. این نوآوری‌ها در اشتراک دانش و اطلاعات نقش حائز اهمیتی دارند. کتابخانه‌های عمومی شاید بیشتر از هر نهاد یا سازمان دیگری از تعامل با این نوآوری‌ها بهره‌مند می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی از جمله ابزارهای است که امکان ارائه و تبادل افکار و اندیشه‌ها را برای همه اقشار فراهم نموده و به‌عنوان بستری مناسب جهت همکاری با دیگران و ایجاد زمینه لازم برای به اشتراک گذاری دانش و اطلاعات برخط^۱ قرار گرفته است. درواقع هدف نهایی رسانه‌های اجتماعی ایجاد جامعه فعال و شبکه دانش است که به‌واسطه آن افراد می‌توانند به مبادله اطلاعات با ارزش خود پردازند و بدین ترتیب دیگران را نیز در این اطلاعات سهیم سازند (اناری و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالب گفته‌شده، شبکه‌های اجتماعی ابزارهای بسیار مناسبی برای اشتراک دانش در سازمان‌های آگاهی محور از جمله کتابخانه‌های عمومی به نظر می‌رسد که به کارگیری آن‌ها در کتابخانه‌های عمومی می‌توانند فرصت‌های زیادی را به همراه داشته باشد و بنابراین آگاهی از چگونگی به کارگیری این ابزارها در کتابخانه‌های عمومی ضروری به نظر می‌رسد و بر همین اساس این پژوهش باهدف بررسی چگونگی به کارگیری شبکه‌های اجتماعی من جمله (فیس‌بوک^۲، تویتر^۱، یوتیوب^۲، گوگل پلاس^۳، مای اسپیس^۴ و

^۱ Online

^۲ Facebook

... برای امر اشتراک دانش توسط کاربران کتابخانه‌های عمومی انجام گرفته است. البته این نکته نیز شایان ذکر است که کتابخانه‌های عمومی اصولاً با اهداف اصلی به جز دانش‌گستری شناخته می‌شوند و این پژوهش در نظر دارد مسأله اشتراک دانش را در کتابخانه‌هایی که به‌عنوان دانشگاه‌های مردم شناخته می‌شوند و با ابزاری با عنوان شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد.

زارعی (۱۳۹۳) در پژوهشی پیمایشی رابطه تسهیم دانش و قابلیت نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی را سنجیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان تسهیم دانش، قابلیت نوآوری و ظرفیت جذب در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سطح مطلوبی قرار ندارد. علاوه‌براین تحلیل واریانس برای متغیرهای مذکور، تفاوت معناداری را در کتابخانه‌های یادشده نشان نمی‌دهد. بین متغیرهای تسهیم دانش و نوآوری در خدمات رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما نوآوری در فرآیند و نوآوری در مدیریت رابطه معناداری باهم دارند.

نعمتی انارکی (۱۳۹۳) در پژوهشی اشتراک دانش برون‌سازمانی را باهدف شناسایی و تأیید عوامل مؤثر بر اشتراک دانش برون‌سازمانی و شاخص‌های آن میان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در رشته پزشکی و ارائه الگوی جامع موردبررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از بین سه عامل موردبررسی تنها عامل سازمانی بر میزان اشتراک دانش برون‌سازمانی معنادار تشخیص داده شده است و دو عامل فردی و فنی تأثیر معناداری را بر میزان اشتراک دانش نشان ندادند. در نتیجه برنامه‌ریزان خواهند توانست با استفاده از دستاوردهای این پژوهش مبنای تجربی مناسبی برای به اشتراک گذاری دانش فراهم آورند.

^۱ Twitter

^۲ YouTube

^۳ Google Plus

^۴ My Space

اناری و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان پرداخته و نتایج این پژوهش که به صورت پیمایشی انجام شده، نشان داد که میزان استفاده کتابداران دانشگاه اصفهان از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در روند به اشتراک گذاری دانش روبه پایین ارزیابی شده است. همچنین از میان هریک از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای ویکی بیشترین و ابزارهای میکرو بلاگینگ^۱ کمترین میزان استفاده را در بین کتابداران این دانشگاه به خود اختصاص داده‌اند.

اکبری (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جلب مشارکت اجتماعی از دیدگاه دانشجویان کاربر فیس‌بوک در دانشگاه‌های شهر تهران با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جلب مشارکت اجتماعی افراد پرداخت. یافته‌های این پژوهش که به روش پیمایشی انجام گرفته است نشان داده است که میان نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهره‌مندی افراد از این شبکه‌ها و همچنین جلب مشارکت اجتماعی کاربران رابطه معناداری وجود دارد. به علاوه، میان متغیرهای رشته و مقطع تحصیلی کاربران و نقش مشارکتی شبکه‌های اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود دارد؛ حال آن که ارتباط معناداری میان متغیرهای جنس و پایگاه اجتماعی کاربران و نقش مشارکتی شبکه‌های مجازی مشاهده نگردید.

چاگ و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در سازمان‌های مجازی را با در نظر گرفتن احساس رفاه کارکنان به عنوان یک عامل واسطه مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش با هدف کشف اثر احساس رفاه کارکنان بر سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش در سازمان‌های مجازی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که وقتی کارکنان رفاه کافی داشته باشند و در سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی قرار داشته باشند به طور فزاینده‌ای در به اشتراک گذاری دانش ضمنی و صریح مشارکت

^۱ Microblogging

^۲ Chung et al

می‌کنند. علاوه بر این احساس رفاه کارکنان در رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار اشتراک دانش ضمنی و صریح در سازمان‌های مجازی نقش مثبت و واسطه‌ای را بازی می‌کند و این به این معنا است که مدیران سازمان‌های مجازی به یک راهبرد برای ایجاد محیطی که کارکنان در آن احساس خوبی داشته باشند، به منظور افزایش تمایل کارکنان برای به اشتراک گذاری دانش ضمنی و صریح خود، نیاز فوری دارند.

فورسیر^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی مقدماتی کاربرد وبلاگ‌ها برای اشتراک دانش داخلی در کتابخانه‌های دانشگاهی پرداخته است. از طریق مصاحبه نیم‌ساخت یافته با پنج کتابدار به این نتیجه رسید که وبلاگ‌ها توسط کتابداران دانشگاهی برای ارتباطات داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین این رسانه ارزشی را برای کتابخانه ۲ در ارائه خدمات به ارمغان آورده است که البته کاربرد چنین ابزارهایی تا حد زیادی برای اشتراک گذاری دانش درونی ناشناخته مانده است.

چو، چن و زو^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان چگونگی به کارگیری سراج‌های شبکه‌های اجتماعی توسط کتابخانه‌ها برای تعامل با کاربران به بررسی روش‌های به کارگیری سراج‌های شبکه‌های اجتماعی در کتابخانه‌ها و نگرش کتابداران و کاربران نسبت به این سراج‌ها پرداخته‌اند. پژوهشگران در این پژوهش بر روی تعاملات بین کاربران سراج‌های فیس‌بوک و توییتر تمرکز کرده‌اند و چهار نوع تعامل شامل اشتراک دانش، انتشار دانش، ارتباطات و جمع‌آوری دانش مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان چهار نوع تعامل اشتراک دانش بیشترین حجم از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. همچنین برای بهبود کارایی تعامل با کاربران در سراج‌های شبکه‌های اجتماعی، ضروری است، کتابخانه‌ها تفاوت‌های انواع سراج‌های شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده خود را تعدیل کنند و روابط کاربران را در این سراج‌ها تحت نظر قرار دهند.

^۱ Forcier

^۲ Chu, Chen & Xu

این پژوهش با توجه به موارد ذکر شده درصدد پاسخگویی به این سؤالات و ارائه مدل پارادایمی مقتضی است:

۱. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چه شناختی از شبکه‌های اجتماعی دارند؟

۲. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را مورد استفاده قرار می‌دهند؟

۳. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را جهت به اشتراک گذاری دانش مورد استفاده قرار می‌دهند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر کیفی بوده و به شیوه نظریه زمینه‌ای^۱ به انجام رسیده است. پژوهش‌های کیفی نوعی از پژوهش است که یافته‌های آن از طریق روش‌های آماری یا ابزارهای کمی‌سازی به دست نیامده است (اشتراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۸، ۳۱). ویژگی اصلی پژوهش کیفی در وهله اول، مربوط به توجه این رویکرد به موقعیت‌ها یا افراد خاص و تأکید بر کلمات به جای اعداد است (ماکسول^۳، ۱۹۹۶). نظریه زمینه‌ای یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی است که نظریه‌ها، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند.

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است. شهر کرمان تا زمان انجام این پژوهش به‌طور کلی دارای واحد کتابخانه عمومی است که کاربرانی با طیف‌های متفاوت جامعه را شامل می‌شود. با توجه به روش انجام این پژوهش

^۱ Grounded Theory

^۲ Strauss & Corbin

^۳ Maxwell

و نیز گستردگی جامعه پژوهش، نیاز به نمونه‌گیری مبرهن است. در این گونه پژوهش‌ها نمونه‌گیری بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند. در این نوع از نمونه‌گیری، پژوهشگر برای گردآوری اطلاعات با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹). در این روش نمونه‌گیری که خاص پژوهش‌های کیفی است، تعداد افراد مورد مطالعه به اشباع نظری^۱ سوالات مورد بررسی بستگی دارد، به این ترتیب که هرگاه پژوهشگر به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده‌شده و یا مصاحبه‌های انجام‌شده با افراد مطلع به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹). در این پژوهش پس از بررسی روش‌های مختلف نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از بین کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از روش متوالی نظری^۲ استفاده شده است. معیار این انتخاب افراد دارای بیشترین میزان امانت کتاب از کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان طی دو سال گذشته طبق آمار موجود در اداره کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان می‌باشد. لازم به ذکر است پس از مصاحبه با ۲۱ یک نفر از اعضای فعال کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان پژوهشگر به اشباع نظری رسید، یعنی در پاسخ‌ها به داده جدیدی دست نمی‌یافت و به این ترتیب مصاحبه را به اتمام رساند.

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش

ردیف	مشارکت کننده	جنسیت	سن
۱	کاربر شماره یک	زن	۲۳
۲	کاربر شماره دو	زن	۱۸
۳	کاربر شماره سه	مرد	۲۴

^۱ Theoretical Saturation

^۲ Frequently Theoretical Sampling

ردیف	مشارکت کننده	جنسیت	سن
۴	کاربر شماره چهار	مرد	۱۹
۵	کاربر شماره پنج	زن	۲۱
۶	کاربر شماره شش	مرد	۲۵
۷	کاربر شماره هفت	زن	۱۸
۸	کاربر شماره هشت	زن	۲۷
۹	کاربر شماره نه	زن	۱۹
۱۰	کاربر شماره ده	مرد	۲۸
۱۱	کاربر شماره یازده	زن	۳۵
۱۲	کاربر شماره دوازده	زن	۲۲
۱۳	کاربر شماره سیزده	مرد	۳۷
۱۴	کاربر شماره چهارده	زن	۲۳
۱۵	کاربر شماره پانزده	مرد	۲۷
۱۶	کاربر شماره شانزده	مرد	۲۶
۱۷	کاربر شماره هفده	مرد	۳۴
۱۸	کاربر شماره هجده	زن	۳۶
۱۹	کاربر شماره نوزده	زن	۳۳
۲۰	کاربر شماره بیست	مرد	۲۰
۲۱	کاربر شماره بیست و یک	زن	۳۷

البته بدیهی است که معیار استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پیش شرط لازم برای ورود افراد مورد نظر به مشارکت کنندگان در پژوهش در نظر گرفته شده بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ است که بر اساس آن پژوهشگر فهرستی از پرسش‌های مورد نظر را به‌عنوان برگه راهنمای مصاحبه^۱ در

^۱ Semi – Structured Interview

اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داد. برگه راهنمای مصاحبه صرفاً مشخص‌کننده موضوعاتی است که مصاحبه آن‌ها را پوشش خواهد داد (حریری، ۱۳۸۵، ۱۵۰). این نوع مصاحبه، در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۸۵، ۱۵۱).

برای تعیین روایی و پایایی پژوهش حاضر از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۲ (۱۹۸۵، ۸۶) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده گردید. بدین منظور بر پایه این روش؛ سه معیار اعتبار (باورپذیری^۳)، انتقال‌پذیری^۴ و اطمینان‌پذیری^۵ جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. برای دستیابی به هریک از این معیارها، کارهای زیر انجام گرفت:

✓ **اعتبار (باورپذیری):** صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه‌شونده پس از پیاده‌سازی، تأیید فرایند پژوهش توسط چند متخصص، اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران با استفاده از دو کدگذار دیگر برای رمزگذاری چند نمونه مصاحبه، نوشتن یادداشت دامنه و یادآور در طول پژوهش.

✓ **انتقال‌پذیری:** کسب نظر و تأیید چند پژوهشگر کلیدی که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش.

✓ **اطمینان‌پذیری:** ثبت و ضبط تمامی جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری در تمامی گام‌های کار.

^۱ Interview Guide

^۲ Lincoln & Guba

^۳ Credibility

^۴ Transferability

^۵ Dependability

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و رسیدن به نظریه، از روش رمزگذاری نظری^۱ استفاده شد. این روش از این جهت مناسب تشخیص داده شد که روشی استقرایی و اکتشافی است و به عنوان روشی راهگشا، با تجزیه و تحلیل متن به جزءها و مفهوم‌های دقیق، امکان تعریف یک نظریه یا الگو را فراهم می‌آورد (ادیب‌حاج باقری، ۱۳۸۵، ۴۳). در این روش با مقایسه مداوم در رویکرد نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین رمزگذاری در سه مرحله باز^۲، محوری^۳ و انتخابی^۴ انجام گردید. به این ترتیب که پس از نسخه‌برداری از داده‌ها و ذخیره آن‌ها ابتدا در رمزگذاری باز، رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص یافته و این رمزها در قالب مقوله‌های گویا دسته‌بندی شدند، سپس پژوهشگران به رمزگذاری محوری اقدام نمودند.

یافته‌های پژوهش

در خصوص تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با تفکیک و بررسی متون مصاحبه‌ها رمزگذاری باز^۵ با جزء به جزء کردن اطلاعات، به شکل مقوله‌های اطلاعات درباره چگونگی به کارگیری شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان پرداخته شد. در این مرحله داده‌ها به بخش‌های مجزا تقسیم، از نزدیک بررسی و از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان با یکدیگر مقایسه شدند. بر اساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها در مجموع ۶۱ گزاره مفهومی استخراج گردید. در مرحله دوم رمزگذاری، که رمزگذاری محوری^۶ نام دارد، داده‌های خرد شده در جریان رمزگذاری باز دوباره کنار هم گذاشته می‌شوند و مقوله‌هایی که بیشترین ارتباط را با مسئله پژوهش دارند از میان رمزها و

^۱ Theoretical Coding

^۲ Open Coding

^۳ Axial Coding

^۴ Selective Coding

^۵ Open Coding

^۶ Axial Coding

یادداشت‌های مربوطه انتخاب می‌شوند. در این مرحله از میان گزاره‌های مفهومی مرحله اول رمزگذاری ۲۲ گزاره مفهومی مرتبط با مصاحبه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شناسایی شده است. در مرحله سوم یعنی رمزگذاری انتخابی^۱ به تعیین مقوله‌های اصلی پرداخته شد که ۴ مقوله در ارتباط با مصاحبه‌های جامعه پژوهش شامل: ارتباطات، فعالیت‌های حرفه‌ای، مهارت‌ها و فعالیت‌های گروهی به‌دست آمد.

^۱ Selective Coding

جدول ۲. کدگذاری داده‌های راهبرد کیفی مربوط به مصاحبه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در سه

مرحله

کد	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
A۱	سرگرمی	مسائل عاطفی سرگرمی اخبار عمومی ارتباطات (فردی - گروهی) مذهب	ارتباطات
A۲	ارتباطات عاطفی		
A۵	دسترسی به اطلاعات به‌روز		
A۸	پر کردن اوقات فراغت		
A۹	تبادل نوشته‌های احساسی		
A۱۲	تبادل اخبار روز		
A۱۷	جوک		
A۱۹	مطالب عاشقانه		
A۲۳	مطالب مذهبی		
A۲۷	موسیقی		
A۲۸	تبادل نظرات شخصی		
A۲۹	مطالب ورزشی		
A۳۴	چت		
A۳۵	شعر		
B۱	اجتماع سازی مجازی	اطلاعات سازمانی آگاهی‌ها تجارب کارگروهی مشورت	فعالیت‌های حرفه‌ای
B۳	تبادل اخبار سازمان		
B۱۲	اشتراک مسائل سازمان		
B۱۷	بهره‌مندی از اطلاعات همکاران		
B۲۳	آگاهی‌رسانی سازمانی		
B۲۷	بهره‌مندی از تجربه‌های شاغلان در سازمان		
B۲۹	تسهیل ارتباطات سازمانی		
B۳۱	انجام کارهای گروهی		

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز	کد
مهارت‌ها	اطلاعات عمومی آموزش مسائل زندگی علوم متفرقه اطلاعات تخصصی	افزایش دانش سازمانی	B۳۲
		بحث و تبادل نظر	B۳۳
		هم‌فکری و مشورت	B۳۴
		انتقال مطالب علمی	C۳
		تحقق اهداف پژوهشی	C۶
		کسب اطلاعات مفید	C۷
		تبادل نظرات علمی	C۱۲
		انجام تکالیف درسی	C۱۵
		مسائل مربوط به اعتیاد	C۱۸
		معرفی فعالیت‌های گروهی	C۲۵
		اطلاعات عمومی	C۲۸
		اطلاعات آشپزی	C۳۲
		مطالب آموزشی	C۳۶
		مطالب بهداشتی - زیبایی	C۳۹
		مسائل هنری	C۴۱
		اشتراک دانسته‌های علمی	C۴۲
		اشتراک اطلاعات تخصصی	C۴۸
		افزایش دانش فردی	C۵۱
		اشتراک دانش تخصصی	C۵۲
		ترویج دانش	C۵۵
		نکات درسی	C۵۷
		معرفی منابع جدید	C۵۸
		اشتراک اطلاعات	C۶۰
		راهنمایی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی	C۶۱

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد
فعالیت‌های گروهی	فرهنگ کتاب‌خوانی تجارب اشتراک فکر خرافات وجود شبکه‌های اجتماعی شرایط انسانی وجود اینترنت بسترهای اینترنت	معرفی منابع موجود	C۶۵
		اشتراک تجربه‌ها	D۷
		مشورت	D۱۳
		ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی	D۱۸
		آگاهی‌رسانی جاری	D۲۵
		مسائل خرافی	D۳۱
		فراهم بودن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	E۱
		فراهم بودن امکانات اینترنت	E۴
		غنی‌سازی اوقات فراغت	E۷
		امکان تعاملات اجتماعی در کتابخانه	E۹
		امکان برگزاری کارگاه‌های آموزشی	E۱۳
		به وجود آمدن نرم‌افزارهای تلفن همراه	E۱۸
		پالایه بودن شبکه‌های اجتماعی	E۲۲
		عدم علاقه به کتاب‌خوانی	E۲۶
		قیمت مناسب اینترنت	E۲۹

بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اول پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چه شناختی از شبکه‌های اجتماعی دارند؟

نحوه شناخت و درک کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از شبکه‌های اجتماعی با توجه به یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در بیشتر موارد به چگونگی استفاده آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی وابسته است. یعنی هر مشارکت‌کننده با توجه به هدف خود از به کار بردن شبکه‌های اجتماعی نوع شناخت و دیدگاه خود را در این رابطه بیان کرده است. به طوری که هیچ کدام از مشارکت‌کنندگان به ساختار و نحوه شکل‌گیری یا کاربردهای گوناگونی که این شبکه‌ها می‌توانند داشته باشند اشاره‌ای نکرده‌اند. همچنین به طور کلی کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان دیدگاه و نگرش منفی نسبت به محتوایی که در فضای شبکه‌های اجتماعی ردوبدل می‌شود، داشته‌اند که در واقع چنین نیست و محتوای شبکه‌های اجتماعی هم می‌تواند مفید و هم می‌تواند مضر باشد، بستگی به نوع استفاده و انتخاب افراد دارد. شاید کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی انتخابی نادرست و ناشایست داشته‌اند که البته خود این کاربران به نوعی از این انتخاب ناراضی به نظر می‌رسند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد آموزش استفاده درست و به جا و برنامه‌ریزی برای چگونه استفاده کردن از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان را در این خصوص تغییر دهد و درک آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی را گسترده‌تر و قابل قبول‌تر شود، چرا که شناخت صحیح از این رسانه‌ها باعث می‌شود تا کاربران بیش از پیش بتوانند از این ابزارها استفاده مفید و مؤثر داشته باشند. در همین راستا اگر آموزش‌ها و پوشش شبکه‌های اجتماعی برای همه کاربران کتابخانه‌های عمومی برابر باشد به عنوان مثال دسترسی یکسان به اینترنت برای همه، باعث می‌شود این شبکه‌ها فرصت‌های بیشتری را برای کاربران خود ایجاد کنند و به تبع آن نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نسبت به شبکه‌های اجتماعی مثبت‌تر و شناخت آن‌ها بیشتر و عمیق‌تر شود. در مقایسه میزان شناخت و نوع نگرش کاربران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان، کتابداران از شناختی عمیق‌تر و

نگرش مثبت تری در رابطه با شبکه‌های اجتماعی برخوردار بوده‌اند. از دلایل این امر می‌توان به دسترسی بیشتر و آسان‌تر کتابداران به اینترنت به دلیل وجود اینترنت مجانی در محل کار آن‌ها و محدودیت کمتر کتابداران برای خرید و نصب نرم‌افزارهای فیلترشکن اشاره کرد. طبق یافته‌های این پژوهش از میان شبکه‌های اجتماعی موردبررسی در پژوهش حاضر، کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از فیس‌بوک و یوتیوب و در بعضی موارد گوگل پلاس شناخت و استفاده بیشتری داشته‌اند و معمولاً نوشته‌های خود را در فیس‌بوک به اشتراک می‌گذارند. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش چو و اس‌دو (۲۰۱۳) که نشان داد فیس‌بوک و توییتر رایج‌ترین ابزارهای شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده در کتابخانه‌های دانشگاهی بودند و کاربران کتابخانه‌ها دیدگاه منفی نسبت به کاربرد شبکه‌های اجتماعی دارند که این می‌تواند یک مانع برای استفاده از این ابزارها در کتابخانه‌های دانشگاهی باشد هم‌خوانی دارد. البته در ارتباط با توییتر این دو پژوهش باهم تناقض دارند چرا که کاربران کتابخانه‌های عمومی کمتر و شاید اصلاً از این شبکه شناخت و استفاده‌ای داشته‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش دیکسون و هالی (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. یافته‌های پژوهش دیکسون و هالی نشان می‌دهد اگر پوشش موضوعی در شبکه‌های اجتماعی برای همه مناطق برابر باشد شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به روش مؤثری برای دانشجویان کتابخانه‌های دانشگاهی ایالات متحده آمریکا ایجاد فرصت کنند. طبق یافته‌های این پژوهش نیز پوشش و آموزش برابر شبکه‌های اجتماعی برای همه کاربران می‌تواند نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان را به سمت مثبت سوق دهد و فرصت‌های بیشتری به‌منظور استفاده مؤثر از این شبکه‌ها برای آن‌ها فراهم کند.

سؤال دوم پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را مورد استفاده قرار می‌دهند؟

با دقت نظر در یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و صحبت‌های مشارکت‌کنندگان فهم می‌گردد که رفتار کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در رابطه با نحوه به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی رفتاری کنترل نشده و بدون برنامه‌ریزی است و هدف آن‌ها از استفاده از شبکه‌های اجتماعی سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت است.

یعنی هیچ هدف خاصی برای انجام این کار ندارند و در زمانی که هیچ مسئولیت و فعالیتی ندارند وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند تا جایی که به این فضا وابسته شده‌اند و جزء برنامه روزانه آن‌ها شده است که می‌تواند آثار و نتایج زیان‌بار و نامطلوبی به همراه داشته باشد. اغلب مشارکت‌کنندگان هدف خود در استفاده از شبکه‌های اجتماعی را پر کردن اوقات فراغت، سرگرمی‌های روزانه، اشتراک نظرات شخصی، خواندن و ارسال پیام‌ها برای دوستان، برقراری ارتباط با دوستان قدیمی که در حال حاضر نمی‌توانند از نزدیک آن‌ها را ببینند، قرارگرفته در جریان مسائل روز، انجام تکالیف مدرسه، اشتراک‌گذاری عکس و متن، چت کردن، اشتراک مطالب بهداشتی و زیبایی بیان کرده‌اند. استفاده غیررسمی از شبکه‌های اجتماعی در مصاحبه‌های همه شرکت‌کنندگان قابل مشاهده است که اغلب برای استفاده‌های شخصی و غیرحرفه‌ای بوده است. البته در صورت فراهم بودن شرایط مانند دسترسی مجانی به اینترنت و امکان استفاده آسان‌تر از شبکه‌های اجتماعی کاربران کتابخانه‌های عمومی نسبت به مشارکت در این شبکه‌ها و استفاده از این ابزارها در منافع و فعالیت‌های حرفه‌ای و سازمانی گرایش مثبت دارند. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان دو شبکه فیس‌بوک و یوتیوب را بیشتر از بقیه به‌ندرت گوگل‌پلاس و توییتر را مورد استفاده قرار می‌دهند درحالی‌که هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان از مای‌اسپیس استفاده‌ای نمی‌کردند و شناختی نیز از آن نداشته‌اند. با بررسی یافته‌ها مشخص می‌شود که فیس‌بوک هم در میان کاربران و هم در میان کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان بیشترین و مای‌اسپیس کمترین استفاده را دارد. بنابراین کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با استفاده از فیس‌بوک فرصتی را برای کنار هم قرار دادن کاربران و کتابداران خود فراهم آورند و دامنه تعاملات آن‌ها را گسترش دهند و از شبکه‌های اجتماعی به‌نحوی که سازمان‌های گوناگون به دنبال بهره‌برداری از آن‌ها هستند استفاده لازم را ببرند و با استفاده از محیط شبکه‌های اجتماعی استعدادها و نیازهای مخاطبان خود را شناسایی کنند و به آن‌ها پاسخ گویند. همچنین کتابداران می‌توانند از طریق محیط شبکه‌های اجتماعی به کاربران خدمات مجازی ارائه دهند و بازخورد نظرات کاربران را دریافت کنند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش آهارونی (۲۰۱۰) که نشان

می‌دهد گسترش کاربرد تویتر در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی می‌تواند این کتابخانه‌ها قادر به پخش و اشتراک اطلاعات درباره فعالیت‌های خود، نظرات، موقعیت‌ها و منافع حرفه‌ای کند هم‌خوانی دارد. هرچند که تویتر توسط کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان کمتر استفاده می‌شود ولی با ترویج استفاده از این شبکه در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان می‌توان شرایط را برای پخش و اشتراک اطلاعات و نظرات کاربران مهیا کرد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش اکبری (۱۳۹۳) نیز هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش اکبری نشان می‌دهد که میان نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهره‌مندی افراد از این شبکه‌ها و همچنین جلب مشارکت اجتماعی کاربران رابطه معناداری وجود دارد.

سؤال سوم پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را جهت اشتراک‌گذاری دانش مورد استفاده قرار می‌دهند؟

تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نشان می‌دهد که آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی در جهت اشتراک دانش استفاده می‌کنند هرچند ممکن است خود فرد از این موضوع اطلاعی نداشته باشد. ناآگاهی کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نسبت به مفهوم اشتراک دانش به بی‌تفاوتی جامعه ما نسبت به رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ناشناخته ماندن موضوعات مرتبط با آن برمی‌گردد. چراکه برخورد افراد جامعه ما نسبت به این رشته دانشگاهی برخورد مناسبی نیست و در نتیجه مسائل مربوط به آن کمتر در ارتباطات افراد معمولی منعکس می‌شود. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شبکه‌های اجتماعی را برای اهداف و رفتارهای مرتبط با اشتراک دانش مؤثر دانسته‌اند هرچند آن‌ها در درجه اول از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش عمومی و غیرتخصصی استفاده می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران کتابخانه‌های عمومی برای ارتباطات خارجی و اشتراک اطلاعات غیرتخصصی و تعاملات دانش مرتبط با موضوعات عمومی و بیشتر برای ارتباطات دوطرفه (مانند گفتگو و مکالمه با دوستان) مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین شبکه‌های اجتماعی بیشتر برای اشتراک‌گذاری عکس و متن‌های عمومی و سرگرم‌کننده

به کار گرفته می‌شوند که البته می‌توانند حاوی و حامل دانش باشند. به هر حال کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر برای تعاملات و ارتباطات فردی و جمع‌آوری اطلاعات عمومی استفاده می‌کنند و در مقایسه با کتابداران کمتر برای اشتراک دانش این ابزارها را مورد استفاده قرار می‌دهند. این تفاوت به دلیل دسترسی بیشتر و آسان‌تر کتابداران به اینترنت با وجود اینترنت مجانی در محل کارشان است. با توجه به گسترش نرم‌افزارهای کاربردی تلفن‌های همراه و امکان نصب رایگان این نرم‌افزارها بر روی تلفن‌های همراه و همچنین پالایه نبودن این نوع شبکه‌های اجتماعی به‌طور کلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش در بین کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان سیر نزولی داشته و به تبع آن استفاده از شبکه‌های اجتماعی مدنظر در این پژوهش جهت اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات و ایده‌ها کاهش یافته است. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش چن، چو و زو (۲۰۱۲) مغایرت دارد. چن و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که از میان چهار نوع تعامل اشتراک دانش، انتشار دانش، ارتباطات و جمع‌آوری دانش در ارتباط با نحوه به کارگیری شبکه‌های اجتماعی توسط کتابخانه‌ها، اشتراک دانش بیشترین حجم پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. در حالی که یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی جهت اشتراک دانش کمترین استفاده را می‌برند. از طرف دیگر یافته‌های این پژوهش با پژوهش اناری (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. اناری در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که میزان استفاده کتابداران دانشگاه لیمریک از ابزارهای رسانه‌های اجتماعی - تعاملی وب ۲ در به اشتراک‌گذاری دانش بیشتر از کتابداران دانشگاه اصفهان است.

پیشنهادهای اجرایی

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش می‌توان گفت کتابخانه‌های عمومی با فراهم آوردن بستر و فضای مناسب استفاده از شبکه وب و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی (البته با در نظر گرفتن موارد ایمنی مانند تخصیص نام کاربری و نیز تحدید دامنه استفاده)

می‌توانند در راستای جذب مخاطب و افزایش کاربران خود گامی مؤثر بردارند. مورد مناسب دیگر در این راستا برگزاری کارگاه‌های آشنایی با دانش و انواع آن و نیز چگونگی به‌اشتراک گذاشتن آن‌ها از سوی کتابخانه‌های عمومی جهت ارتقاء آگاهی کاربران این کتابخانه‌هاست.

پیشنهاد برای مطالعات آتی

- با توجه به همه آن چیزی که در این پژوهش به‌طور مبسوط اشاره شد، می‌توان محورهای زیر را جهت مطالعات آینده پیشنهاد داد:
- بررسی میزان اشتراک دانش در کتابخانه‌های عمومی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی
 - نیازسنجی کاربران کتابخانه‌های عمومی با توجه به ابعاد دنیای فناورانه امروزی
 - بررسی چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در سایر انواع کتابخانه‌ها

منابع

۱. ادیب‌حاج‌پاقری، محسن. (۱۳۸۵). روش تحقیق گراند تئوری، راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۲. اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). نقش شبکه‌های اجتماعی در جلب مشارکت اجتماعی، بررسی دیدگاه‌های دانشجویان کاربر فیس‌بوک در دانشگاه‌های شهر تهران. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، مرکز آموزش الکترونیک.
۳. اناری، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای استفاده از رسانه‌های اجتماعی تعاملی وب ۲ در به اشتراک گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه لیمیریک - ایرلند و دانشگاه اصفهان. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۴. اناری، فاطمه؛ عاصمی، عاطفه؛ ریاحی‌نیا، نصرت. (۱۳۹۲). بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان. فصلنامه دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)، ۶(۲۰)، ۱۰-۳۳.
۵. پادیاب، جواد. (۱۳۹۱). رسانه‌های اجتماعی فراتر از وب، فراتر از واقعیت. ماهنامه وب، ۱۵۰، ۸۱-۸۳.
۶. جباری، نگین. (۱۳۹۲). ارائه الگوی مناسب از عوامل به اشتراک گذاری دانش در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های گرگان. مقاله منتشر شده در ششمین کنفرانس مدیریت دانش، تهران، اسفند، سالن همایش‌های بین‌المللی شهید بهشتی.
۷. جعفرزاده کرمائی، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی. پایان منتشر نشده دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۸. حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۹. رهنورد، فرج‌الله؛ خاوند کار، جلیل. (۱۳۸۷). تأثیر اشتراک دانش بر توفیق در برون‌سپاری خدمات فناوری اطلاعات. مدیریت فناوری اطلاعات، ۲۳(۱)، ۴۹-۶۴.
۱۰. زارعی، ابراهیم. (۱۳۹۳). رابطه تسهیم دانش و قابلیت نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۱۱. محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی جامعه‌شناسی کاربردی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲۱(۲)، ۷۷-۱۰۰.
۱۲. نعمتی‌انارکی، لیلا. (۱۳۹۳). اشتراک دانش برون‌سازمانی: ارائه الگوی جامع. مجله اطلاع‌رسانی پزشکی نوین، ۱(۱)، ۱۰-۲۵.
۱۳. Aharony, N. (۲۰۱۰). Twitter use in libraries: An exploratory analysis. Journal of web librarianship, ۴ (۴), ۳۳۳-۵۵۰.
۱۴. Chu, S. K.-W.; Chen, D. Y.-T.; Xu, S.-Q. (۲۰۱۲). How do Libraries Use Social Media Networking Sites to Interact with users. Available at: <http://www.Asis.org/assist/2012/proceedings/submissions/85.pdf>.
۱۵. Chu, S.; SDU, H. (۲۰۱۳). Social networking tools for academic libraries. Librarianship & Information science, ۴۵, ۶۴-۷۵.
۱۶. Chung, H.; Cooke, L.; Fry, J.; Hung, I. (۲۰۱۵). Factors affecting knowledge sharing in the virtual organization: Employees sense of well-being as a mediating effect. Computers in Human Behavior, ۴۴, ۷۰-۸۰.
۱۷. Dickson, A.; Holley, R. (۲۰۱۰). Social networking in academic libraries: the Possibilities & the concerns. New library World, ۱۱۱ (۱۱/۱۲), ۴۶۸-۴۷۹.
۱۸. Dokhtesmati, M.; Ghorbani Buosari, R. (۲۰۱۳). Knowledge Sharing in Iranian academic institutions: Meta-analysis approach. Social & Behavioral Sciences, ۷۳, ۳۸۳-۳۸۷.

۱۹. Forceir, E. (۲۰۱۲). A pilot study of Blog use for Internal Knowledge Sharing in academic libraries. Canadian Association of Information Science, ۴۰th Annual Conference, waterloo, Ontario, June ۲, ۲۰۱۲.
۲۰. Lincoln, Y. S.; Guba, E. G. (۱۹۸۵). Naturalistic inquiry. Beverly Hills, CA: Sage.
۲۱. Maxwell, J. A. (۱۹۹۶). Qualitative research design: An interactive approach. Thousand Oaks, CA: Sage.
۲۲. Strauss, A.; Corbin, J. (۱۹۹۸). Basics of qualitative research: Techniques & procedures for developing grounded theory. California: Sage.
۲۳. Tung – Chinglin, S.W.; Chun – Tai I. (۲۰۱۲). Exploring the affect factors of Knowledge Sharing behavior: The relations model theory perspective. Expert Systems with Applications, ۳۹(۱), ۷۵۱۷۶۴.